

تعریف

اصطلاح «رودوزی» یا «روکاری» به هنری گفته می‌شود که طی آن، نقش‌های گوناگونی روی پارچه‌های بدون نقش یا بعضاً پارچه‌های نقشدار، از طریق دوختن و یا کشیدن قسمتی از نخ‌های تار و پود پارچه، به وجود می‌آیند. رودوزی‌های سنتی ایرانی، آن دسته از هنرهای ملی و صنایع دستی کشورمان هستند که در آن‌ها، نگاره‌های سنتی با استفاده از انواع سوزن، قلاب و نظایر آن، و ضمن بهره‌گیری از انواع نخ‌های رنگین یا فلزی، روی پارچه دوخته می‌شوند و گاه نیز نگاره‌ها، با کشیدن بخشی از نخ‌های تار یا پود و یا تار و پود همراه با عملیات تکمیلی دیگر روی پارچه پدید می‌آیند.

طبقه‌بندی رودوزی‌های ایرانی

برخی از صاحب‌نظران، رودوزی‌های ایرانی به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱. گونه‌ای که در آن، زمینه‌ی اساسی پارچه را سراسر بخیه می‌پوشاند تا زمینه‌ی تازه‌ای از نقش و رنگ پدید آید؛ مانند: سوزن‌دوزی بلوچ، قلاب‌دوزی رشت و پتّه‌دوزی کرمان
۲. گونه‌ای که در آن، روی پارچه نقش چندلای دوخته نمی‌شود، بلکه با

عبور نخ‌های رنگین از لایه‌لای تار و پود، پارچه و دوختن این الیاف به یکدیگر، پارچه‌ی ساده حالتی مشبک و رنگین به خود می‌گیرد؛ مانند سوزن‌دوزی اصفهان. ۳. گونه‌ای که در آن، زمینه‌ی پارچه به رنگ اصلی باقی می‌ماند و به کمک الیافی با روکش‌های فلزی، نگاره‌های متنوعی روی پارچه دوخته می‌شود؛ مانند: گلابتون‌دوزی، خوس‌دوزی (که در مناطق گوناگون استان هرمزگان انجام می‌شود و رواج شایسته‌ای دارد) و ده یک روزی.

اما زنده‌یاد استاد منتخب صبا، در کتاب «نگرشی بر سوزن‌دوزی‌های ایران»، رودوزی‌های ایرانی را به شش دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از:

دسته‌ی اول، گروهی از رودوزی‌ها که در اثر پرکاری، زمینه‌ی اصلی آن‌ها مشخص نیست و دوخت‌های الوان موجب پیدایش زمینه‌ی تازه‌ای پر از نقش و نگار شده است؛ همچون: بخارادوزی، نقش‌دوزی، قلاب‌دوزی، بعضی از پتّه‌دوزی‌ها یا سلسله‌دوزی‌ها، ممتعل‌دوزی، بلوچ‌دوزی و کردی‌دوزی. دسته‌ی دوم، رودوزی‌هایی که قسمتی از زمینه‌ی آن‌ها را دوخت پر می‌کند و زمینه به رنگ اصلی خود باقی

می‌ماند؛ مانند: ابریشم‌دوزی، خامه‌دوزی، قیطان‌دوزی و مضاعف‌دوزی.

دسته‌ی سوم، رودوزی‌هایی که به شکل خاص انجام می‌گیرند، یعنی با جابه‌جا کردن و بیرون آوردن تارها و پودها صورت می‌گیرند؛ نظیر: سوزن‌دوزی اصفهان و شبکه‌دوزی.

دسته‌ی چهارم، رودوزی‌هایی که در آن‌ها، نخ‌های فلزی زینت‌بخش پارچه‌اند و به پارچه جلوه‌ی دیگری می‌بخشند؛ مانند: گلابتون‌دوزی، ده یک‌دوزی، سرمه‌دوزی، نقده‌دوزی و ملیله‌دوزی.

دسته‌ی پنجم، رودوزی‌هایی که در آن‌ها، سوزن و قلاب و نظایر آن در نقش‌آفرینی روی زمینه نقشی ندارند، بلکه با گذراندن نخ‌های فلزی مثل نقده از میان تار و پود و شکل دادن به وسیله‌ی دسته نگاره‌های موردنظر پدیدار می‌شوند؛ مانند: خوس‌دوزی و بعضی از نقده‌دوزی‌ها.

دسته‌ی ششم، گروهی از رودوزی‌ها که در آن‌ها، نخ و سوزن به تنهایی در نقش‌آفرینی و تزئین موثر نیستند، بلکه به مواد تزئینی دیگری نیاز است؛ مانند: پولک‌دوزی، شبکه‌دوزی، براق‌دوزی، مرواریددوزی، منجوق‌دوزی، سنگ‌دوزی، زعفران‌دوزی، مرصع‌دوزی و بیله‌دوزی.

مختصری درباره‌ی رودوزی‌ها

در چشمه‌ی ایران

حسین یاور
استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان هنر



مباد اولیہ و
 ابزار
 رودروی های
 ایرانی

مهمترین مباد
 اولیہ مصری
 رودروی های ایرانی را
 انواع پارچه و گونه های
 مختلفی از انواع نخ های
 رنگی، ظریف و با نخ های
 یا روشنی ظریف تشکیل
 می دهند گنئی است.
 مهمترین کاربرد
 رودروی های ایرانی، تزیین
 لباس و پوشاک بوده است.
 اما رودروی های ایرانی
 برای تزیین جاکت های
 جاسازی، جای مهر، کوسن
 انواع روسری، پوشاک
 جیسوزی، قاب آینه، جای
 شانه و ... نیز کاربرد داشته
 است و هنر مبدعین ابزار و
 تکنیک ظریف رودروی های
 ایرانی را این انواع مبدعین
 و تکنیک های مختلف و
 زیبایی های آن را می توان
 در این مبدعین مشاهده کرد.

روشکار مبدعین ایرانی
 کتاب جامع علوم انسانی



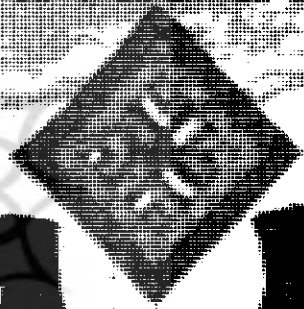
تذکره

تذکره ای که در این کتاب آمده است، شامل اسامی و سوابق افراد است که در این زمینه فعالیت داشته‌اند.

تذکره

تذکره ای که در این کتاب آمده است، شامل اسامی و سوابق افراد است که در این زمینه فعالیت داشته‌اند.

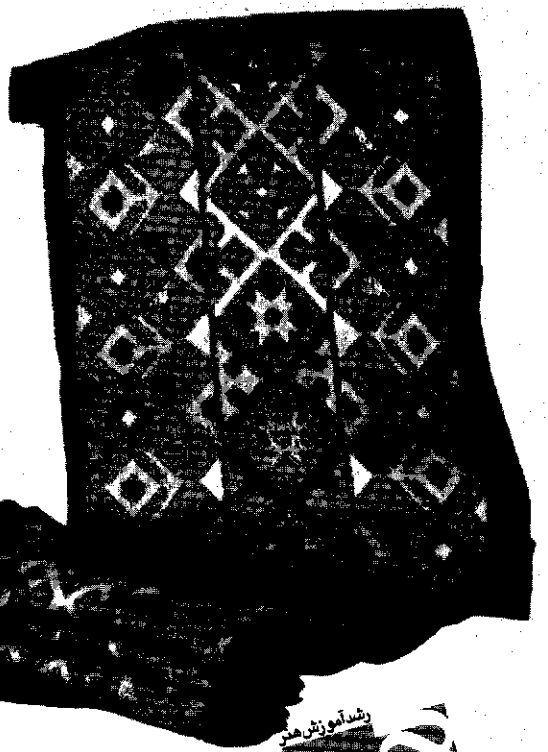
تذکره ای که در این کتاب آمده است، شامل اسامی و سوابق افراد است که در این زمینه فعالیت داشته‌اند.



تذکره ای که در این کتاب آمده است، شامل اسامی و سوابق افراد است که در این زمینه فعالیت داشته‌اند.

Table of contents listing various entries and their corresponding page numbers.





پژوهش‌های هنر
 دوره سوم / شماره ۲
 بهار ۱۳۸۵

در دوره‌ی ایلخانی، ابعاد تأثیر و نفوذ هنرچینی بر رودوزی‌های ایرانی گسترش بیش‌تری یافت و در دوره‌ی تیموری، با کوچاندن هنرمندانی که در کار رودوزی مهارت داشتند به شهر «سمرقند»، موجبات رونق این هنر فراهم آمد. اگرچه هیچ اثر رودوزی ایرانی متعلق به این دوره باقی نمانده است ولی فیلیس اکرامان، در کتاب «سیری بر هنرهای ایرانی»، از روی مینیاتورها، رودوزی‌های آن دوره را به خوبی توصیف کرده است. جالب این است که گفته شود، عده‌ای از پژوهشگران شروع سوزن‌دوزی بلوچ را که هم‌اینک نیز در بخش‌های وسیعی از استان سیستان و بلوچستان، از در اغلب مناطق بلوچستان، رواج دارد، از همین دوره دانسته‌اند.

پیشرفت رودوزی‌ها در ایران در عصر صفویه (۹۰۸ تا ۱۱۴۵ ق) به اندازه‌ی سریع و همه‌جانبه بود که نه تنها باعث قطع نفوذ هنرچینی شد، بلکه این رودوزی‌ها رقیب یلامنازعی نیز برای تولید خود چینی‌ها به حساب می‌آمدند. شاردن در سفرنامه‌اش، راجع به ظرافت رودوزی‌های ایرانی که به نظر او برتر از رودوزی‌های اروپایی و ترکی هستند، مطالبی را به رشته‌ی تحریر درآورده و این گونه اظهار کرده است: در همین دوره، به نوشته‌ی سار کوبولو، زنان گرمای کل دوزی‌های (سینه‌دوزی‌های) بسیار ظریفی را ارائه می‌کردند. در دوره‌ی صفویه، نقش دوزی نیز کم‌کم بیش‌تر برای زینت بخشیدن به دیوارهای خانه به کار گرفته می‌شد، از رواج چاقی بر دیوارها اجتناب می‌کردند و اهمیت رودوزی به اندازه‌ی کافی بود که دست‌اندرکاران انواع آن به عنوان صاحبان یک حرفه و شغل اجتماعی، دارای شهرت و اعتبار بوده‌اند. از رودوزی‌های رایج در دوره‌ی صفویه می‌توان به گلابتون دوزی، سینه‌دوزی، نقش دوزی، ده یک دوزی، بولک دوزی، سکه دوزی، گلجه دوزی، مروارید دوزی، زعفران دوزی، جله دوزی، مایه دوزی، سر سکه دوزی، مروارید دوزی، سینه‌دوزی و تاج دوزی اشاره کرد. با وجودی که نوشته‌های صاحب‌خطان در زمینه‌ی رودوزی‌های سنتی ایران درمی‌یابیم که در دوره‌ی صفویه در اصفهان، اصف



هنرمندان ایرانی به قدری در تجسم بخشیدن به این ارزش‌ها و قراردادهای اجتماعی تخصص و مهارت داشته‌اند که هنرشان مورد تقلید همسایگان دور و نزدیک نیز قرار می‌گرفته است. در کتاب «سیری در صنایع دستی ایران» نیز آمده است: «در حفاری‌های آغاز قرن بیستم در آسیای مرکزی و نیز کاوش‌های پرتمر سراورل استاین در لولان، مقادیری منسوجات کشف شده است که جزو آن‌ها و یا در اکتشافات بعدی در همین نواحی، رودوزی‌ها و گلیم‌های ابریشمی و پارچه‌های چاپ با تیک نیز به دست آمده‌اند. بسیاری از این آثار از نفوذ هنر ساسانی نشان دارند.» بعد از ظهور اسلام، رودوزی‌های ایرانی همچنان مرسوم و متداول بوده و برای زینت بخشیدن به لباس‌ها، پوشاک انواع پارچه به کار می‌رفته‌اند. ولی متأسفانه از دوره‌ی آغازین اسلام در ایران -از قرن دوم تا قرن پنجم ق- نشانه‌ای از رودوزی‌ها در دست نیست. قدیمی‌ترین نمونه‌ی رودوزی ایرانی که هم‌اینکه در ایران موجود است، به دوره‌ی سلجوقی تعلق دارد. در این نمونه، تأثیر طراحی و تکنیک چینی به خوبی نمایان است. گفته می‌شود که نوع پارچه‌های مورد استفاده در دوره‌ی سلجوقی، تقریباً شبیه به پارچه‌های دوران ساسانی بود. همانند آن‌ها بسیار ظریف و نرم، با طرح‌های حالت که گاهی با حلمات و عباراتی به خط کوفی تزئینی در لابه‌لای نقش‌ها همراه بود. بافته می‌شد. گاهی اوقات هم به شیوه‌ی گلابتون دوزی، که یک دوزی ابریشم‌دوزی و ... توئین می‌یافت.

گلابتون دوز، لندره دوز، نقش دوز، ده یک دوز، پولک دوز، گلچه دوز و زنجیرباف وجود داشته‌اند. بخارادوزی و زغره دوزی، با استادی هرچه تمام‌تر در قسمت‌های شرقی خراسان، بخارا و سمرقند رایج بوده است. ضمن آن که نمونه‌های به جامانده از دیگر رودوزی‌های دوره‌ی صفویه به شرحی که قبلاً ذکر شد از رواج بیش از حد این هنرها در آن عصر حکایت می‌کنند.

رونق و شکوه رودوزی‌های دوره‌ی صفویه را از آن جا می‌توان دریافت که در طول دوره‌ی اقماریه و زندیه نیز هنر رودوزی به سبک و سیاق دوره‌ی صفویه ادامه داشت و لباس‌ها و منسوجاتی که در فاصله‌ی سال‌های ۱۱۴۸ تا ۱۲۰۹ ق - دوره‌های اقماریه و زندیه - رودوزی شده‌اند، از لحاظ طرح و ترکیب شبیه به رودوزی‌های عص صفوی هستند و به دشواری می‌توان آن‌ها را از رودوزی‌های آن دوره بازشناخت. در دوره‌ی قاجاریه اکثر رودوزی‌های ایرانی، رونق یافتند و در اغلب مناطق ایران رایج شدند. آثار به جای مانده از این دوره نشانگر توجه بیش‌تر مردم به هنرهای تزئینی است. هنر نقش‌دوزی، آجیده‌دوزی، مضاعف‌دوزی، سمبوسه‌دوزی، زرتشتی‌دوزی، ترمه‌دوزی، ده یک دوزی، و خامه‌دوزی به اوج خود رسید و پته‌دوزی روی پارچه‌های الوان، با

مرکزی یافت که هنوز هم، انواعی از رودوزی‌ها، همچنان در آن رونق دارند. طی نیم قرن اخیر، سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، پریواردوزی و خامه‌دوزی در استان سیستان و بلوچستان، قلاب‌دوزی در شهر رشت، پته‌دوزی در استان کرمان، سوزن‌دوزی و ملیله‌دوزی در اصفهان، گلابتون‌دوزی، خوس‌دوزی و بادله‌دوزی در استان هرمزگان، سوزن‌دوزی ممقان (ممقان‌دوزی) در شهر ممقان در استان آذربایجان شرقی، پولک‌دوزی در استان کردستان، سوزن‌دوزی درویشی در تفرش، و برخی از رودوزی‌های جدید و تلفیقی در شهر تهران رونق و رواج داشته‌اند؛ ضمن آن که شماری از رودوزی‌های سنتی و قدیمی ایران در حال منسوخ شدن و روبه فراموشی هستند. گفتنی است، اکثر قریب به اتفاق هنرمندان دست‌اندرکار رودوزی‌های سنتی ایران را دختران و زنان با ذوق و صبور ساکن شهرها، روستاها و مناطق عشایری تشکیل می‌دهند و تنها در هنرهایی همچون قلاب‌دوزی رشت می‌توان سراغی از مردان هنرمندی گرفت که آثار بسیار با ارزشی را به وجود آورده‌اند. این آثار هم‌اکنون زینت‌بخش

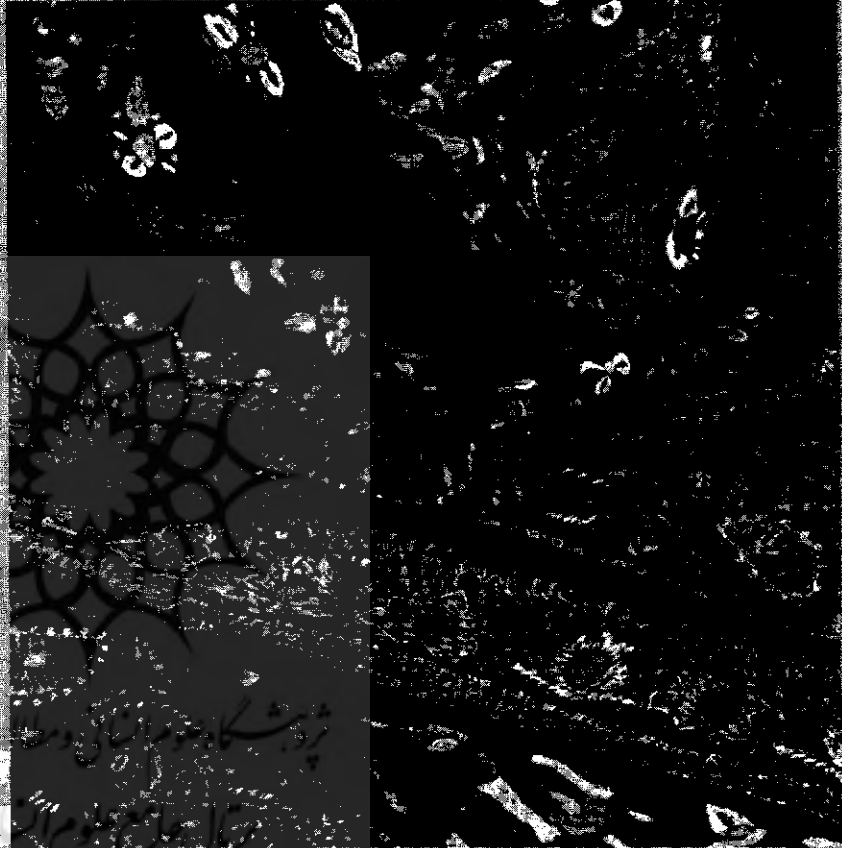


رشد آموزش هنر
۵۱

۱- رودوزی های قاره ای آسیا

روش های سنتی رودوزی در شبه قاره ای هند، یکی از غنی ترین روش ها از نظر گوناگونی و مهارت رودوزی در جهان هستند. از قرن شانزدهم میلادی، تکه دوزی ها، پشم دوزی های گلدار و سایر رودوزی های شبه قاره ای اروپا متاد شده اند. در کشور هندوستان، رودوزی هایی با تخیلهای زنجیره ای و نقش پرندگان و دیگر حیوانات مربوط به «گجرات»، و رودوزی های مصور روی پارچه های ابریشم زرد رنگ مربوط به «بنگال»، از شهرت زیادی برخوردارند.

رودوزی های هندی، چه نوع خانگی، چه نوع حرفه ای آن به صورت منطقه ای تولید می شوند و غالباً مربوط به شمال هندوستان هستند. رودوزی های خانگی مربوط به شمال غربی هندوستان، بر اساس استفاده زیاد آن ها از آینه های کوچک شناخته می شوند. این کارها به نام های «شیشا» در بین هندوها و «آبلا» در بین مسلمانان شهرت دارند. در هندوستان، از انواع نخ های رنگی، طلایی و نقره ای، و آینه پولک، منجوق و برای در رودوزی ها و برای زینت بخشیدن به براهن، بلوز، سرپوش، کلاه و در مجموع لباس ها و پوشاک و نیز پرده، رومیچی، روبان های کوسن و مانند آن استفاده می شود. می توان گفت که رودوزی در «هند - صنعت نساجی هندوستان که دومین صنعت بزرگ دنیا و مهم ترین صنعت هندوستان است، نقش مهمی را ایفا می کند. در کشور پاکستان، سوزن دوزی با استفاده از نگاره های



هندسی که سراسر سطح پارچه را می پوشاند، به شیوهی سوزن دوزی متداول در میان زنان بلوچ ایران و بیش تر در نواحی مجاور مرز افغانستان، رایج است. آینه دوزی، با استفاده از قطعات بسیار کوچک آینه و گاه همراه با سکه، در ایالات سند و بلوچستان و به ویژه در شهرهای دره ای غازی خان و کوئته - مرکز بلوچستان - متداول است. افزون بر تزئین لباس های محلی، برای تهیه پرده و اویزهای دیواری از این هنر استفاده می شود. جوس دوزی که به آن «Khas» می گویند، در ایالات سند، پنجاب در میان بانوان محلی معمول است. شیوهی ظریف صورت رودوزی برجسته با استفاده از نخ های فلزی شبیه نقره است که در تزئین لباس زنانه و به ویژه به عنوان روسری، به مصرف می رسد.

در کشور بنگلادش، سوزن دوزی زیبا و خاصی که به آن «نقش کانتا» می گویند، از شاخص ترین هنرهای ملی محسوب می شود. پارچه های مصرعی در این نوع رودوزی از لباس های ساری مستعمل انتخاب می شود. برای سوزن دوزی، نخ های حاشیه ای ساری را می کشند و از آن استفاده می کنند. رنگ های زرد، قرمز، سیاه، سبز، آبی و سفید، رنگ های متداول در نقش کانتا هستند. نقش های رودوزی معروف به نقش کانتا در مواردی حالت هندسی دارند و گاهی هم مجموعه ای از تصاویر پرندگان و جانوران، به ویژه فیل، طاووس و طوطی، نگاره های مورد علاقه هنرمندان را تشکیل می دهد. سوزن دوزی نقش کانتا، بیش تر در ناحیه راجشاهی، فریدپور و کوشتا در کشور بنگلادش رواج دارد و از این نوع رودوزی برای تزئین محصولات متنوعی به صورت جانماز، سفره دستارخوان در اصطلاح محلی، روختی، روبه ای کوسن، کیف و غیره استفاده می شود.

سوزن دوزی یا نخ ابریشم بر روی پارچه های ابریشمی که به «ابریشم دوزی» معروف است، از شاخص ترین رودوزی های کشورهایی چون، کره شمالی، کره جنوبی و ژاپن است و از این طریق، تابلوهای بسیار زیبایی با نگاره ها و نقش هایی از طبیعت تهیه می کنند. در کشور اندونزی، در سوماترا با بهره گیری از نخ های طلایی، رودوزی های زیبایی تولید می شوند. رودوزی های تهیه شده با استفاده از نخ های زری در جزیره یالی، از صنایع دستی معروف و شاخص هستند. به هر حال می توان گفت که رودوزی در همه ی



در این کشورها، روددوئی ها در طول تاریخ، به دلیل موقعیت استراتژیک خود، نقش مهمی در اقتصاد و فرهنگ این مناطق داشته اند.

۲. روددوئی های تاریخی اروپا

در ابتدا روددوئی ها در جنوب غربی اروپا، در مناطق کنونی فرانسه و انگلستان، به عنوان یک قوم مهاجر شناخته شدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. روددوئی های تاریخی اروپا، در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

۳. روددوئی های آمریکای شمالی و آمریکای لاتین

هر چند که روددوئی در کشورهای

در این کشورها، روددوئی ها در طول تاریخ، به دلیل موقعیت استراتژیک خود، نقش مهمی در اقتصاد و فرهنگ این مناطق داشته اند.

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

۴. روددوئی های قاره آمریکا

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

در این کشورها، روددوئی ها در طول تاریخ، به دلیل موقعیت استراتژیک خود، نقش مهمی در اقتصاد و فرهنگ این مناطق داشته اند.

۵. روددوئی های قاره آمریکا

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

۶. روددوئی های قاره آمریکا

در طول تاریخ، روددوئی ها به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند. این قوم در طول تاریخ، به دلیل مهارت های خود در ساختن کشتی ها و تجارت دریایی، به شهرت رسیدند.

- ۴. شبه قاره ای هند شامل کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، بوتان و نپال است.
- ۵. Shisha
- ۶. abhla
- ۷. Nakshi Kantha
- ۸. Baeyuex
- ۹. Hastings

